

امام علی (ع) اینگونه عدالت را برپا می کرد

۲۴/۰۴/۱۳۹۳

عدالت در معارف بشری، کاربرد بسیار وسیعی دارد با توجه به معانی و کاربردهای گوناگون آن در حوزه های زندگی مردم، می توان آن را از زاویه های گوناگون مورد بررسی قرار داد. یکی از حوزه های مورد بررسی «عدالت در حوزه علوم اجتماعی، و وضع قوانین و روابط اجتماعی انسان است(۱)».

قرآن کریم هدف و رسالت پیامبران و امامان علیهم السلام بیان احکام و قوانین الهی و تعلیم و تزکیه(۲) برای اقامه عدل و قسط در بین مردم معرفی می کند « و لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»(۳) که موید بر پایی عدالت در حوزه اجتماعی زندگی انسانهاست.

«این مساله (اقامه عدل و داد) با تشکیل حکومت و اجرای احکام و قوانین الهی محقق می شود. البته مردم هستند که در پناه حکومت عدالت را برپا می کنند(۴)».

امام علی علت پذیرش حکومت را جلوگیری از ستم ستمگران معرفی می کند و می فرماید: « سوگند به خدایی که دانه را شکافت اگر خدا از دانشمندان تعهد نگرفته بود امام علی علت پذیرش حکومت را جلوگیری از ستم ستمگران معرفی می کند و می فرماید: « سوگند به خدایی که دانه را شکافت اگر خدا از دانشمندان تعهد نگرفته بود که در برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی ستم دیدگان سکوت نکنند مهار شتر خلافت را بر گردنش انداخته و رهاپیش می ساختم».

که در برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی ستم دیدگان سکوت نکنند مهار شتر خلافت را بر گردنش انداخته و رهاپیش می ساختم(۵)».

بنابراین پذیرش حکومت، ارزش ذاتی ندارد، بلکه ابزاری برای تحقق عدالت می باشد امام علی در این باره می فرماید: « والله لهی احب الی من امرکم الا ان اقیم حقا و ادفع باطلا(۶)»...

امام علی علیه السلام آثار ستمگری را این چنین بیان می کند: « استعمل العدل واحذر العسف والحييف، فان العسف يعود بالجلاء و الحيف يعود الی السيف(۷)».

اما برای ستمگری دو نتیجه برمی شمرد که عبارتند از :

الف- آوارگی مردم،

ب- جنگ و خونریزی، عدالت در حوزه اجتماعی زندگی مردم، مصداق ها و معانی گوناگون دارد که به چند مورد آن اشاره می کنیم.

۱- برپایی حق

حق و باطل دو مفهوم متضاد و متناقض هستند. بودن یکی برابر با نبودن دیگری است. بر پایی حق یکی از مصداق های عدالت است. امام علی علیه السلام « بر پایی حق را عامل عزت مندی و پایداری دین و اصلاح روزگار و دوام حکومت بیان می فرماید(۸)».

۲- برقراری عدالت

برقراری مساوات در بهره مندی از واقعیت های گوناگون اقتصادی، سیاسی، علمی و ... یکی دیگر از مصداق های عدالت است. امام یکی از علل عدم اجرای حق را رویگردانی حاکمان از آن معرفی می کند « اما بعد فان الوالی اذا اختلف هواه منعه ذلک کثیرا من العدل(۹)».

برقراری مساوات زمانی پدید می آید که حاکمان خواهش های نفسانی خود را کنترل کرده و از دگرگونی رای و اندیشه خود جلوگیری کنند.

۳- توجه یکسان به مردم

این حالت حاکمان یکی از مصداق های عدالت است. برای این که اگر قشری از جامعه مورد توجه حاکمان قرار گیرد دو حالت نامطلوب اجتماعی به وجود می آید که به تداوم حکومت و پایداری زندگی اجتماعی آسیب می رساند این دو حالت عبارتند از:

۱- سوء استفاده قشر مورد توجه از موقعیت حکومت.

۲- فراموش شدن بقیه اقشار جامعه و ناامیدی آنها از اجرای عدالت به وسیله حاکمان.

امام علی علیه السلام به محمد بن ابی بکر توصیه می کند: « در نگاهت به طور مساوی رفتار کن تا بزرگان در ستم کاری تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو نسبت به خودشان مایوس نشوند(۱۰)».

۴- بازگرداندن حقوق غصب شده

وقتی که عدالت رعایت نشود. عده ای با برقراری روابط غیر صحیح از اموال عمومی به شکل غیرقانونی بهره مند شده و آن را تصرف می نمایند. امام علی علیه السلام یکی از علل پذیرش حکومت را « بازگرداندن حقوق غصب شده» بیان می دارد و می فرماید: « به خدا قسم (بیت المال غارت شده) را اگر بیابم که به وسیله آن زنان به ازدواج درآمده (مهریه زنان شد) و کنیزکان خریداری شده، آن را به صاحبانش باز می گردانم برای این که در عدالت گشایش و رفاه برای عموم است(۱۱)».

امام علی علیه السلام یکی از علل پذیرش حکومت را « بازگرداندن حقوق غصب شده» بیان می دارد و می فرماید: « به خدا قسم (بیت المال غارت شده) را اگر بیابم که به وسیله آن زنان به ازدواج درآمده (مهریه زنان شد) و کنیزکان خریداری شده، آن را به صاحبانش باز می گردانم برای این که در عدالت گشایش و رفاه برای عموم است».

بازگرداندن حقوق غصب دو نتیجه مهم دارد که امام علی علیه السلام برای آن به خدا قسم می خورد « و انی اقسام بالله قسما صادقا لئن بلغنی انک خنت من فی المسلمین شیئا صغیرا و کبیرا، لا شدن علیک شده تدعک لقلیل الوفیر، ثقیل الظهر.»(۱۲) و حتی وقتی که یکی از یاران و پیروان امام «عبدالله بن زمعه» از وی درخواست کمک مالی داشت امام می فرماید «این مال نه مال من و نه مال دوست بلکه جزء انفال و فیء است(۱۳)».

بر پایی عدالت و بازگرداندن حقوق غصب شده رفاه و آسایش عمومی را به دنبال دارد و به تبع آن امنیت روانی در جامعه برقرار می شود.

امام علی علیه السلام در این مورد در ارتباط با رفتار نامطلوب یکی از کارگزارانش که در اموال عمومی خیانت کرده بود با عتاب و خطاب او را بریده از حق و خائن شمرده و می فرماید: «از خدا بترس و اموال عمومی را به آنان بازگردان که اگر چنین نکنی و خدا به من فرصت دهد و به درگاه خدا نسبت به تو عذر آورم، با شمشیر ضربه ای به تو خواهیم زد که به هر کس ضربه زدیم وارد جهنم شد» (۱۴).

در این سخنان امام علی علیه السلام نکاتی نهفته است که توجه به آن راهگشای اداره جامعه اسلامی ما خواهد شد.

الف - کارگزاران خائن باید خیانت خود را جبران کنند.

ب - حاکم در برابر کارگزارانش مسئول است و پاسخگوی رفتار آنان در پیشگاه مردم و خدا می باشد.

ج - برای این که کارگزاران مواظب رفتار خود باشند، خائن باید به نحو شدید مجازات شود.

۵- نظارت بر فعالیت های اقتصادی

یکی از برنامه های امام علی علیه السلام این بود که هر روز به بازارهای کوفه سرکشی می کرد و به بازاریان می فرمود: «ای گروه بازرگانان از خدا بترسید، پیشاپیش از خدا طلب خیر کنید و با آسان گرفتن بر مشتریان از خداوند برکت بخواهید ... از ستم دست بکشید و با مظلومان به انصاف برخورد کنید و به ربا نزدیک نشوید و کم فروشی نکنید و حقوق مردم را کم ندهید و در زمین به فساد سر برندارید» (۱۵).

امام با حضور در بازار، از نزدیک با نحوه فعالیت اقتصادی مردم آگاهی می یافت و فعالیت های نادرست اقتصادی را منع می کرد، حتی به مردم راه صحیح فعالیت اقتصادی و آداب و قوانین آن را آموزش می داد.

۶- مبارزه با فساد اقتصادی

افرادی که فعالیت اقتصادی دارند عبارتند از: بازرگانان، صنعت گران ساکن و مسافر در شهرها و صاحبان سرمایه و با توجه به این که برای این گروه از مردم، رنج سفر و خوف از بین رفتن سرمایه در فعالیت اقتصادی وجود دارد؛ لازم است که حکومت اسلامی به نظارت تنها بسنده نکند. بلکه گاهی هم دخالت لازم است برای این که فعالان اقتصادی از امکانات خود سوء استفاده می کنند. امام در این باره می فرماید: «بدان که در میان بازرگانان کسانی هستند که معاملات بد دارند و بخیل هستند و به خاطر سود دنبال احتکار هستند و کالا را به هر قیمتی که بخواهند، می فروشند و این سود جویی گران فروشانه زبانی برای همگان است و عیب بر حاکمان، پس از احتکار جلوگیری کن» (۱۶).

امام یکی از عوامل برهم خوردن عدالت اقتصادی را «گران فروشی و احتکار» به حساب می آورد و آن دو را خلاف عدالت می داند و به کارگزارانش توصیه می کند با آن دو مبارزه کنند امام علی علیه السلام عوامل برقراری عدالت اقتصادی را در این فراز از سخن خود یادآوری می کند که عبارتند از:

الف - حقوق و قوانین عادلانه، آسان گیری با مشتری - دست برداشتن از ستم و ربا».

یکی از برنامه های امام علی علیه السلام این بود که هر روز به بازارهای کوفه سرکشی می کرد و به بازاریان می فرمود: «ای گروه بازرگانان از خدا بترسید، پیشاپیش از خدا طلب خیر کنید و با آسان گرفتن بر مشتریان از خداوند برکت بخواهید ... از ستم دست بکشید و با مظلومان به انصاف برخورد کنید و به ربا نزدیک نشوید و کم فروشی نکنید و حقوق مردم را کم ندهید و در زمین به فساد سر بردارید».

ب - اعتقاد به معنویات « ترس از خدا، طلب خیر از او».

ج - وجود دولت و حکومت در تحقق عدالت اقتصادی در قوانین عادلانه، ضمانت اجرایی دارند(۱۷)».

احتکار یکی از عوامل بر هم زنده عدالت است یعنی این که قوت مردم نگه داری شود در حالی که مردم به آن نیازمند باشند. امام با این عامل مهم مبارزه می نمود و می فرمود: «مردم را از احتکار منع کن که رسول خدا مردم را از آن منع می کرد و هر کس بعد از منع تو، احتکار کند او را کیفر ده(۱۸)».

از این سخن امام علیه السلام می توان نتیجه گرفت که احتکار مانع تحقق عدالت است چون حقوق دو طرف رعایت نشده و فقط یک طرف سود برده، علت منع احتکار از طرف دولت اسلامی این است که احتکار عرضه و تقاضا و قیمت گذاری عادلانه را مخدوش می سازد.

۷-مبارزه با تبعیض

همه مردم در برابر قانون برابر و یکسان هستند، تبعیض در جایی که همه دارای حقوق مساوی « حق حیات - حق معاش - حق بهره مندی از بیت المال» هستند نارواست، امام به کارگزارانش سفارش می کند که «ایاک و الاستئثار بما الناس فیه اسوه و التغابی عما تغنی به مما قد وضح للعیون فانه مأخوذ منک(۱۹)».

امام در این بخش از نامه خود از مالک اشتر می خواهد که از اختصاص دادن بیت المال به شخص خودش و فراموش کردن وظیفه، برحذر باشد و در عمل اقدام به رفع تبعیض می کند تا جایی که مورد اعتراض طلحه و زبیر قرار می گیرد و در جواب آنها می فرماید: «اما آنچه را که شما - طلحه و زبیر- در ارتباط با پرداخت یکسان بیت المال یادآوری کردید، آن چیزی بود که من به رأی خودم، داوری نکردم و پی خواهش خویش نرفتم. من و شما دیدیم که رسول خدا چه حکمی در این مورد داد و اجرا کرد(۳۰)».

امام در بخش دیگری از نامه اش به مالک اشتر به این نکته اشاره می فرماید که عدالت بدون مجری عادل ممکن نیست به کارگزار خود سفارش می کند: «کارگزار نزدیکان و خویشاوندانی که خوی برتری جویی و گردن فرازی دارند و در معامله انصاف را کمتر به کار می برند، ریشه ستم اینها را با بریدن اسباب آن از بن برآور. و به هیچ یک از اطرافیان و خویشاوندان زمینی را نبخش(۲۱)».

اگر این موارد مورد توجه قرار گیرد و اجرا شود، آثاری به بار می آورد که به عنوان آثار عدالت از آنها نام می بریم:

۱-روشنایی چشم حاکمان.

امام عدالت را مایه حیات و حتی حیات طیبه جامعه می داند و می فرماید: «العدل حياة»(۲۲) و آن را زمینه ساز امنیت و عافیت

بیان می کند «البستکم العافیة من عدلی(۲۳)».

۲-نگه داری حکومت.

۳-امنیت، آبادانی و نزول برکات برای مردم.

آبادانی کشور جز از راه عدالت، از راه دیگری میسر نیست «ما عمرت البلدان بمثل العدل» و عدالت موجب نزول برکات از طرف خداوند می شود. (بالعدل تتضاعف البرکات(۲۵)»

از سخنان امام علیه السلام می توان نتیجه گرفت که «جامعه به واسطه بی عدالتی و رعایت نشدن حقوق افراد در جامعه، گرچه به ظاهر تحرکی دارد، ولی از روح زندگی «حیات طیبه» محروم است ولی در پناه اجرای عدالت افزون بر آثار مادی و رشد اقتصادی زندگی معنا می یابد و مردم به صلاح و رستگاری می رسند(۲۶)».

پی نوشت ها:

۱-دانش نامه امام علی علیه السلام، ج ۷، ص ۸.

۲-سوره جمعه، آیه ۲.

۳-سوره حدید، آیه ۲۵.

۴-تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ۲۹.

۵-نهج البلاغه، خطبه سوم.

۶-نهج البلاغه، خ ۳۳.

۷-نهج البلاغه، حکمت ۴۷۶.

۸-نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

۹-نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۱۰-نهج البلاغه، نامه ۲۷.

۱۱-نهج البلاغه، خ ۱۵.

۱۲-نهج البلاغه، نامه ۲۰.

۱۳-نهج البلاغه، خ ۲۳۲.

- ۱۴- نهج البلاغه، نامه ۴۱.
- ۱۵- وسايل الشيعه، ج ۱۲، ص ۲۸۴.
- ۱۶- نهج البلاغه، نامه ۵۳.
- ۱۷- دانش نامه امام علي، ج ۷، ص ۸۰.
- ۱۸- نهج البلاغه، نامه ۵۳.
- ۱۹- نهج البلاغه، نامه ۵۳.
- ۲۰- نهج البلاغه، خ ۲۰۵.
- ۲۱- نهج البلاغه، ۵۳.
- ۲۲- غرر الحكم، ج ۱.
- ۲۳- نهج البلاغه، خ ۸۷.
- ۲۴- غرر الحكم، ج ۶، ص ۶۸.
- ۲۵- غرر الحكم، ج ۳، ص ۲۰۵.
- ۲۶- دانش نامه امام علي عليه السلام، ج ۷، ص ۷۵.